

## بررسی نظریه های مختلف در زمینه برنامه ریزی

بهنام یوسفی<sup>۱</sup>، عبدالرضا میرزایی<sup>۲</sup>، سید محمد مطلبی<sup>۳</sup>، محمد علی باقری<sup>۴</sup> و

میثم معصومی<sup>۵</sup>

۱ فارغ التحصیل علوم اجتماعی گرایش برنامه ریزی در مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز

Amirreza688@gmail.com

۲ فوق دیپلم عمران دانشگاه کرمانشاه Abdoreza.m1348@gmail.com

۳. فارغ و التحصیل ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات اراک motalebi2710@gmail.com

۴. کارشناس معماری 56 mohammadbagheri@yahoo.com

۵. لیسانس معماری Mhm1122@yahoo.com

### چکیده

در این پروژه تلاش شد تا تصویری از پیدایش و تحولات نظریه برنامه ریزی ارائه داد. آنچه به نام نظریه برنامه ریزی شناخته می شود در واقع آن بخش از دانش است که به موضوع های اساسی مربوط به انواع برنامه ریزی ها می پردازد. هر چند عمل برنامه ریزی در اتحاد شوروی شروع شد، اما اولین گام ها در جهت ارائه احکام توجیهگر و تبیین کننده اقسام برنامه ریزی ها در سال های آغازین قرن بیستم در جهان سرمایه داری برداشته شد. این کوشش ها مبتنی بودند بر آرای ماکس وبر و کارل مانهایم در زمینه عقلانیت و اداره جامعه. از آنجا که در حوزه برنامه ریزی، دیدگاه های رقیبی خودنمایی می کنند که هر کدام استدلال ها و پیشینه های علمی - فلسفی و گاه سیاسی - اجتماعی خود را دارند، و حداقل در چنین مطالعه ای نمی توان از هیچ کلام از آنها غفلت کرد، راه چاره ای که می ماند، استفاده از گونه شناسی (Typology) است. نخستین و می توان گفت تاثیر گذارترین این گونه شناسی ها از آندره آس فالودی (۱۹۷۳) (است. وی دو نوع نظریه را از هم تفکیک می کند: نخست، نظریه جوهری یا موضوعی که به موضوع یا جوهره برنامه ریزی می پردازد. به سخن دیگر موضوع این نظریه آن چیزی است که برایش برنامه ریزی می کنیم (مثلا کشاورزی، اقتصاد، کالبد شهرها و از این قبیل ...). دوم نظریه فرایندی یا روشی است که به خود فرایند برنامه ریزی می پردازد بدون توجه به این که درباره چه موضوعی به کار رود. به سخن دیگر، یک دسته از نظریه ها بر مسائل روش شناسی برنامه ریزی متمرکز می شوند. و دسته دیگر محتوا و موضوع برنامه ها را مورد توجه قرار می دهند. نکته مهم این جاست که فالودی بر این باور بود که نظریه فرایندی حوزه تخصصی برنامه ریزان و نظریه برنامه ریزی واقعی است و نه نظریه جوهری که متخصصان خاص خود را دارد (اقتصاددانان، جامعه شناسان، متخصصان کشاورزی و ...). نظریه فالودی از نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی و به ویژه در آغاز دهه ۱۹۸۰ مورد انتقاد شدید برنامه ریزان واقع شد و همین انتقادها بود که به پیدایش گونه شناسی های جدید و تعریف مجدد از نظریه برنامه ریزی انجامید. در ۱۹۸۰ نایجل تایلور نظریه های مربوط به برنامه ریزی را به دو طبقه تقسیم کرد: یکم نظریه های فلسفی و دوم نظریه های جامعه شناختی، در واقع، هدف وی از این طبقه بندی، تفکیک میان گزاره های نظری تبیینی و گزاره های نظری تجویزی بود که در این حوزه پی در

پی مطرح می شدند. کمی دیرتر، کوکب (۱۹۸۳) سه نوع نظریه تشخیص داد: (۱) نظریه های فرایند توسعه، (۲) نظریه های فرایند برنامه ریزی، (۳) نظریه های حکومت. در واقع او سعی کرده بود همه موضوعات اساسی و چالش برانگیز مربوط به برنامه ریزی را در طبقه بندی خود بگنجانند. در آخرین سال دهه ۱۹۸۰، ایفتاشل یک مدل شش بعدی از انواع نظریه های برنامه ریزی ارائه داد. در واقع ایفتاشل طبقه بندی خود را بر اساس دو معیار ساخته بود. اول این که آیا گزاره های نظری، مربوط به تبیین پدیده برنامه ریزی هستند یا تجویز نوع مطلوب آن (این معیار د وگزینه دارد) و دوم این که آیا نظریه به تحلیل موضوع برنامه می پردازد یا از شکل محصول کار برنامه ریزی (برنامه) سخن می گوید و یا این که به فرایند برنامه ریزی می پردازد (این معیار سه گزینه دارد). از ترکیب این دو معیار، شش نوع نظریه حاصل می آید: (۱) نظریه تحلیلی - تبیینی، (۲) نظریه شکلی - تبیینی، (۳) نظریه فرایندی - تبیینی، (۴) نظریه تحلیلی - تجویزی، (۵) نظریه شکلی - تجویزی، (۶) نظریه فرایندی - تجویزی، در دهه ۱۹۹۰ دیدگاه پسا مدرن در همه حوزه ها مطرح شد. در میان نظریه پردازان پسا مدرن، آلمن دینگر ۵ نوع نظریه برنامه ریزی تشخیص داد: فلسفه علم اجتماعی، نظریه اجتماعی، نظریه برونزا، نظریه چارچوب ساز و نظریه درون زا. بالاخره در دهه اخیر، گرایش به گریز از گونه شناسی های پیچیده مشاهده می شود و نوعی بازگشت به گونه شناسی فالودی، البته با تعدیل های بسیار نیز می توان دید. مقاله با ارائه یک گونه شناسی از انواع نظریه های مربوط به برنامه ریزی پایان می یابد. این گونه شناسی کوشیده تا همه اندیشه های مربوط به موضوع های مهم برنامه ریزی را در بر بگیرد و میان نظریه ها نیز برخلاف فالودی، اصلی و فرعی نکند و همه را نظریه برنامه ریزی به شمار آورد.

**برنامه ریزی از منظر اقتصاد:**

الگوی اقتصاد سیاسی در نظر دارد که روابط قدرت را در و میان نهادهای مختلف آشکار سازد. این الگو جنبه‌های اقتصادی حکومت را مطالعه کرده و رابطه بین تأثیر اقدامات سیاسی از قبیل سیاست‌ها و برنامه‌های اجرائی را بر اقتصاد و نظریه اقتصاد محض-که هدفش مطالعه روابط متقابل بین عوامل مختلف اقتصادی است- تحلیل می‌کند.

نظریه اقتصاد را می‌توان به‌مثابه ۲ گونه نظریه مطالعه کرد:

۱. **نظریه اثباتی:** اثباتی در رابطه با نظام سرمایه‌داری. نظریه اثباتی به تحلیل مطلوبیت تأثیرات فعالیت‌های مختلف اقتصادی نمی‌پردازد؛

این نظریه را می‌توان به ۲ بخش تقسیم‌بندی کرد:

الف: نظریه قیمت که به تحلیل رفتارهای افراد یا گروه‌ها برای نمونه مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و نیز پدیده‌هایی از قبیل قیمت‌گذاری، فراورده، توزیع و غیره می‌پردازد.

ب: نظریه درآمد ملی که درباره درآمد ملی و اشتغال کل کشور است. برای نمونه نظریات مربوط به چگونگی تولید درآمد ملی.

۲. **نظریه رفاه:** این نظریه در این باره است که ثروت چگونه در جامعه توزیع شده است.

**اهمیت الگوی اقتصاد سیاسی در برنامه‌ریزی شهری**

الگوی اقتصاد سیاسی فراوانی در رشته برنامه‌ریزی شهری دارد. دیدگاه‌های نویسندگان و پژوهشگران گوناگون در زیر گردآوری شده است:

۱. در الگوی اقتصاد سیاسی، بنا بر دیدگاه هاروی، مهم‌ترین کارکرد محیط مصنوع، تسهیل [فرآیند] تولید، گردش، مصرف و مبادله است. محیط مصنوع [در اینجا] به مسکن، معابر، شبکه‌های ارتباطی و غیره اشاره دارد و نقش برنامه‌ریز هم این است که از حفظ و مدیریت درست این فعالیت‌ها اطمینان حاصل نماید.

۲. جامعه بیش‌ترین اهمیت را به آن فعالیت‌هایی می‌دهد که توانایی بازتولید خود را داشته باشند.

• جامعه [کنونی] بر پایه یک نظام سرمایه‌داری بنا شده که روابط اجتماعی در آن بر پایه مبادله در بازار و مالکیت خصوصی، به ۲ روش بازتولید می‌شوند: پایداری و ماندگاری. روابط اجتماعی [در اینجا] به روابط بین دولت، نیروی کار و سرمایه اشاره دارد.

• [در این جامعه] به شهر به مثابه یک کارگاه تمدن صنعتی نگریسته شده که مرکز کنترل اقتصاد، زندگی اجتماعی-فرهنگی و سیاسی و افزون بر این مرکز مبادله، ارتباطات و یک زندگی خوب است.

۳. دولت با ثبات بخشیدن به اقتصاد از جهات دیگر نابهنجار و نظام اجتماعی، نقش مدیر بحران را ایفا می‌کند.

• دولت هم‌چنین با سرکوب، یکپارچه‌سازی یا تعاونی جلوی کشمکش درونی و فرقه‌گرایی را گرفته و در تلاش است تا شرایطی را برای انباشت بی‌دغدغه ثروت بیافریند.

به‌مانند الگوی اقتصاد سیاسی، سرمایه هم می‌تواند به محصول، پول و غیره تقسیم‌بندی شده و نیروی کار را هم می‌توان بر پایه نرخ دست‌مزدش تفکیک کرد. طبقات مختلف جامعه، محیط مصنوع را به‌گونه‌ای متفاوت می‌نگرند.

• نیروی کار محیط مصنوع را به‌مثابه وسیله مصرف و نیز برای بازتولید و گسترش خود می‌نگرد.

• مزدبگیران، در هر سطحی از شرایط زندگی، به هزینه‌ها و نحوه استقرار فضایی (دسترسی) امکانات محیط مصنوع از قبیل مسکن، بهداشت، آموزش و امکانات تفریحی جهت بقا و بازتولید خود بسیار حساس‌اند.

• سرمایه به زیرساختی که به‌صورت جمعی فراهم و مصرف‌شده، به‌مثابه وسیله افزایش فعالیت‌های تولیدی، گردشی و مبادله‌ای می‌نگرد.

• ایجاد محیط مصنوع به خودی خود، بازار را برای تولیدکنندگان گسترش می‌دهد [چراکه] آن‌ها فرصتی برای فروش کالاهای خود از قبیل فولاد و خدماتی نظیر [خدمات] اداری و قانونی به دست می‌آورند؛ از این رو تقاضا برای افزایش تولید خود سرمایه‌داران بیشتر می‌شود.

سرمایه عمرانی با افزودن عناصری نوین به محیط مصنوع که باید آن‌ها را با بررسی ساختارهای فنی، بوم‌شناختی و سیاسی ذی‌نفعان عمرانی معرفی کرد، به دنبال بازگشت سرمایه خود است.

- ملاکان به واسطه مالکیت زمین و دارائی خود و با بهره‌گیری از این منابع رانت استخراج می‌کنند.
- محیط مصنوع در بعضی موارد ممکن است به محل سرریز سرمایه پولی مازاد بدل شود که این امر می‌تواند به دوره‌های متناوب تولید بیش از حد منتج شده و به سقوط ارزش دارایی‌هایی که در محیط مصنوع قرار دارد بیانجامد.

### ضرورت توسعه متعادل

- از دیدگاه تأمین عدالت اجتماعی به منظور برخورداری عادلانه و مناسب مناطق مختلف از امکانات
- ملاحظات سیاسی به عنوان عاملی برای کاهش نا آرامیهای سیاسی
- ملاحظات اقتصادی و اجتماعی به منظور جلوگیری از مهاجرت و تمرکز

### نظریه برنامه ریزی

نظریه برنامه ریزی به موضوعات اساسی در برنامه ریزی می‌پردازد؛ یعنی موضوعاتی مانند فرایند برنامه ریزی، فراگیری تمامی کنشگران و ارتباطات بین آنها در برنامه ریزی، و نیز قدرت و تضاد در برنامه ریزی و توسعه شهری. این حوزه زمانی در نیمه دوم قرن بیستم به شکل رشته ای متمایز درآمد که طی آن درک کالبدی و معماری شناختی از شهر با ورود علوم اجتماعی و جغرافیا تکامل پیدا کرد. (603, 2009, Hutchinson) در این دسته نظریه‌ها فرایند و عملیات برنامه ریزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و تشریح و تبیین می‌گردد. در ادامه به صورت تجویزی و هنجاری، نظریه‌هایی برای بهبود و ارتقای این فرایند و عملیات ارائه میشود. به بیان دیگر، در این دسته از نظریه‌ها تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که برنامه ریزی چگونه باید اداره شود و سازمان یابد تا بهترین نتیجه به دست آید.

دانش لازم در حوزه نظریه برنامه ریزی را میتوان در سه دسته جمع بندی کرد:

الف) درک و شناخت عقلانیت و استدلال پشتیبان برنامه ریزی؛

ب) آشنایی با تعامل برنامه ریزی، اجرا و بازار؛ و

ج) درک و شناخت فرایند برنامه ریزی

از دید هیللی و همکارانش (۸، ۱۹۸۱) هدف اصلی این نظریه‌ها، اعتلای عقلانیت در انجام (عمل اجتماعی) است. نظریه در برنامه ریزی این دسته نظریه‌ها از رشته‌های مختلف اقتباس شده و بسیار متنوع اند. نظریه در برنامه ریزی مرتبط با پدیده‌هایی است که برنامه ریزی شهری با آنها درگیر است. به عبارتی دیگر، موضوع شهرسازی موضوع نظریه در برنامه ریزی است.

واژه‌ها و اصطلاحاتی چون مطالعات شهری میتواند مترادف با آن قرار گیرد. مطابق نظر مک کانل (14, 198) این نظریه‌ها پایه و اساسی هستند برای آن چیزهایی که برنامه ریزان انجام می‌دهند یا تولید می‌کنند.

همانند نظریه برنامه ریزی، نظریه در برنامه ریزی نیز می‌تواند به دو گونه تقسیم شود:

الف) نظریه‌های تبیینی در برنامه ریزی

ب) نظریه‌های تجویزی در برنامه ریزی

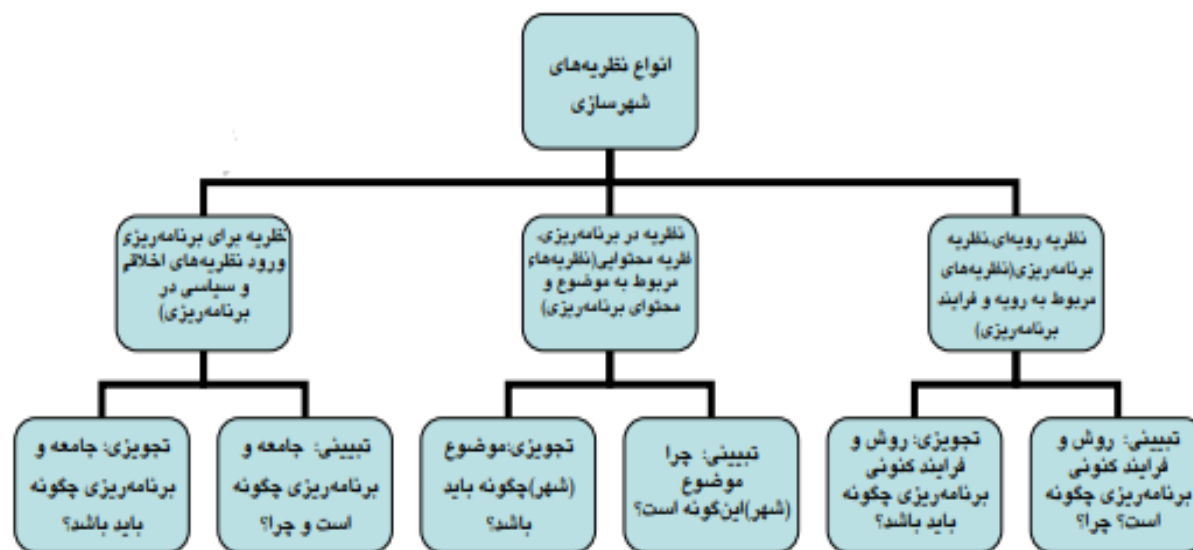
نظریه‌های تبیینی در برنامه ریزی شامل مواردی است که در پی تبیین پدیده‌های اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی است که برنامه ریزان با آن مواجه اند. نظریه‌های تجویزی یا هنجاری در برنامه ریزی، با تولید طرح‌ها و پیشنهادهای استراتژی‌ها مرتبط است. با این حال، از دید ارنست الکساندر (به نقل از، Archibugi 431۲۰۰۴) تعریف و تحدید ابعاد

محتوایی برنامه ریزی دشوار است، زیرا میتواند طیفی از موضوعات متنوع را - مانند حمل و نقل، مسکن، خدمات بهداشتی و سیاست های توسعه اقتصادی - در بر گیرد. تقسیم بندی براساس ویژگی های عملکردی مانند کالبدی، اجتماعی، سیاست عمومی و برنامه ریزی اقتصادی دسته بندی دیگری برای تعریف ابعاد محتوایی برنامه ریزی است. همان نظریه پرداز (۳۷۷، ۲۰۰۱) Alexander، در مقاله ای با عنوان «شناخت چه چیزی برای برنامه ریزان لازم است؟»، هسته دانشی لازم برای برنامه ریزان را در بعد نظریه های محتوایی بدین شرح فهرست میکند:

شناخت قوانین و مقررات قانونی و نهادهای مرتبط با آنها؛ درک و شناخت نظریه های اقتصاد خرد و کاربرد آنها، توانایی تفسیر ضوابط منطقه بندی و کاربرد مستقیم آنها در موارد خاص؛ درک و شناخت فضا و محیط مصنوع؛ درک و شناخت گزینه های برنامه ریزی کالبدی؛ دانش در زمینه تحول اشکال شهری در نتیجه نیروهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی؛ آشنایی با فرایند توسعه و در نهایت درک و شناخت موضوعات شهری معاصر و استراتژیهای برخورد با آنها.

### نظریه برای برنامه ریزی

گونه سوم این نظریه ها که نتیجه تحقیقات مربوط به ورود نظریه های اخلاقی و سیاسی در برنامه ریزی است در پی تبیین و پاسخ به این پرسش است که: چرا برنامه ریزی و جامعه این گونه هست که می بینیم؛ یا اینکه در آینده چگونه باید باشد؟ (۱۴، ۱۹۸۱) McConnell. نظریه های تجویزی برای برنامه ریزی در پی ارائه معیارهایی اخلاقی و سیاسی برای آزمون نظریه های برنامه ریزی اند؛ به این معنی که آیا برایندهای حاصل از اقدام مبتنی بر نظریه از لحاظ اخلاقی درست است یا نه؟ این آزمون با افرادی مرتبط میگردد که از طرح منتفع یا متضرر می شوند.



شکل ۱. انواع نظریه های شهرسازی

منبع: برگرفته از McConnell, 1981, Faludi, 1973

### برنامه ریزی گام به گام

نقایص آشکار برنامه ریزی جامع در رسیدن به اهداف مورد نظر آن، باعث شد که چندین مدل جایگزین برای فرایند تصمیم گیری پرداخته شود. بسیاری از این روش های جدید در پی افزایش کارایی تصمیم گیری ها در محیطی بودند که در آن ارزش ها، نگرش ها و اهداف و آمال متنوع وجود دارند و بازار و نیروهای سیاسی بر آن مسلط اند و عدم قطعیت تام و تمامی هم بر مسائل و محیط حاکم است (Nadin and Culling (worth, 1997, 7

تصمیمگیری انجام گرفتند، در حقیقت به نوعی بسط سنت برنامه ریزی رویه ای بودند. این روش ها درگیر دو سؤال اساسی بودند (۸، ۱۹۸۲ al et Healey)

- چه روشی عقلانی ترین روش اقدام محسوب می شود؟
  - چگونه میتوان روش های تصمیم گیری را با زمینه و بستری که در آن استفاده می شوند، پیوند داد؟
- آشکارترین پاسخ به هر دوی این سؤالات از سوی رویکرد گام به گام در برنامه ریزی صورت گرفت. از نظر لیندبلوم و بری بروک کاربرد روش شناسایی های جامع، منطقی- قیاسی و هدف گرا در قلمرو عمومی عقلانی نیستند. چارلز لیندبلوم (۱۹۵۹، ۲۹۹)، Lindblom چنین بیان می کند
- « سیاست گذاری فرایندی پیچیده است. عالمان اجتماعی و سیاست گذاران و مدیران عمومی دانش کافی درباره جهان اجتماعی ندارند تا از تکرار خطاها در پیش بینی تبعات سیاست های پیشنهادی شان پرهیز کنند. بنابراین سیاست گذار خردمند کسی است که انتظار داشته باشد سیاست هایش تنها به بخشی از اهداف مورد انتظارش برسند و در عین حال همان سیاست های پیشنهادی تبعاتی تولید کنند که وی در پی دوری جستن از آنها بوده است. اگر آنها از روش «تغییرات تدریجی و متوالی» تبعیت کنند، از ایجاد اشتباهات جدی جلوگیری خواهند کرد».

روش تصمیم گیری که لیندبلوم و بری بروک آن را پیشنهاد کردند، به روش گام به گام و گسسته مشهور شد (Hall ۱۹۹۶، ۳۶۵). در برنامه ریزی گام به گام، سیاستگذاران مزایای نهایی تعداد محدودی از گزینه ها را برای تصمیم گیری بررسی می کنند و به جای اینکه براساس اهدافی بلندمدت کار کنند و هدفشان بررسی تمام گزینه های ممکن باشد، با تقریب زدن های متوالی به جلو می روند - یعنی روش مقایسه محدود و متوالی - تصمیمگیران در این روش از میان همه گزینه های سیاستی تعداد محدودی از آنها را بررسی می کنند؛ یعنی آنهایی را که تغییرات جزئی و اندکی را در مقایسه با سیاست های کنونی نشان می دهند. در این صورت تصمیم گیری نوعی استراتژی گام به گام است.

### نتیجه گیری

به طور کلی، تمام بحث های نظری دوره را م ی توان به دو گرایش عمده تقسیم کرد: اولین دسته، گرایش تکنوکراتیکی است که نظریه برنامه ریزی رویه ای و توسعه و تحول آن به صورت روششناسی های مختلف تصمیم گیری و آثار مرتبط با رویکرد اجرا، شاخص این دسته است. دومین دسته، گرایش اجتماعی دموکراتیکی است که بیشتر متوجه باز توزیع منابع و برنامه های حمایتی است، با محوریت دموکراسی مشارکتی. برنامه ریزی اجتماعی و وکالتی شاخص این گرایش است. به این دو دسته، دو گرایش رادیکال دیگر را نیز باید اضافه کرد که یکی در طیف ایده آلیست ها قرار میگیرد (انسانگرایی جدید)؛ و دیگری در جرگه ماتریالیست ها (رویکرد اقتصاد سیاسی).

در سیر زمان شناختی، نظریه برنامه ریزی رویه ای که ملهم از دیدگاه سایبرنتیکی از برنامه ریزی بود، برای حل و رفع نواقص و کاستی های برنامه ریزی جامع سنتی یا بلوپرنیتی پدید آمد. در این دیدگاه فرایند جایگاهی برتر از فراورده یا طرح یافت. به تبع آن، روند تهیه طرح ها شفاف تر و روشن تر گشت. در این دوره، برنامه ریزی با توسل به روش ها و نظریه های علمی پایگاه پایدارتری کسب کرد. بعد از یک دهه از پیدایش و تسلط نظریه برنامه ریزی رویه ای، نظریه های دیگری پرداخته شدند که همگی بر ابعاد خاصی از برنامه ریزی بیشتر تأکید داشتند و در پی حل و رفع پاره های از مسائل آن بودند. فرایند تلاش برای نظریه پردازی و پرداخت نظریه های برنامه ریزی در گام اول در پی تبیین شرایط واقعی فرایند برنامه ریزی و در گام بعد وارد کردن عناصر هنجاری برای بهبود روابط و شرایط فرایند رایج است؛ یعنی شرایطی که به دلایل مختلف و از دید مخاطبان آن نامطلوب پنداشته می شود. بررسی تحولات نظریه پردازی در این سه مقطع نشان داد که عوامل و واقعیت های محیطی چون افت و خیزهای اقتصادی جوامع، نارضایتی ها و آشوب های شهری، تغییر افکار عمومی در نتیجه جنگ ها و

تصمیم گیری های بالا به پایین، بازتعریف و کشف مجدد مفاهیمی چون فقر و نابرابری های اجتماعی (به طور خاص در بافت های درون شهری)، شکست تلقی جامعیت و رهاییبخشی معرفت علمی پوزیتیویستی، ورود تلقی های تکثرگرا از ساختار اجتماعی و سیاسی قدرت و تحول نظریه های خارج از حوزه برنامه ریزی و ورود آن در این قلمرو (عوامل معرفت شناختی) و نظایر اینها از جمله عوامل مؤثر بر تطور نظریه پردازی برنامه ریزی قلمداد می شوند. همانگونه که آلمیندگر نیز تأکید دارد، تحولات نظری و معرفت شناختی در حوزه های خارج از برنامه ریزی مانند علوم اجتماعی و فلسفه علم تأثیر انکارناپذیری در تحولات نظریه پردازی برنامه ریزی در سه دهه اخیر داشته است. نظریه کنش ارتباطی هابرماس به عنوان نظریه چارچوب که الهام بخش پرداخت نظریه برنامه ریزی ارتباطی و نظریه برنامه ریزی مبتنی بر تشریک مساعی است، نمونه روشنی در این زمینه است. به هر ترتیب، نظریه پردازی برنامه ریزی در خلأ اجتماعی روی نمیدهد. بررسی تاریخی نشان میدهد که زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معرفت شناختی چهار وجه عمده های است که بر شکل گیری نظریه های جدید برنامه ریزی تأثیر عمده ای داشته اند.

### منابع و ماخذ

اجلالی، پرویز و همکاران، نظریه برنامه ریزی: دیدگاه های سنتی و جدید، تهران: آگه، ۱۳۹۱  
 آلمندینگر، فیلیپ و تئودور جونز، آینده برنامه ریزی: چشم اندازهای نو در نظریه برنامه ریزی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: آذرخش، ۱۳۸۷

عبدی دانشپور، زهره؛ درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷  
 توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰) نظریه های جامعه شناسی، انتشارات سمت، چاپ دوم

جنسن، آ. هولت (۱۳۷۶) جغرافیا، تاریخ و مفاهیم، ترجمه جلال تبریزی، انتشارات سیر و سیاحت، چاپ اول

لیتل، دانیل (۱۳۷۳) تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه دکتر عبدالکریم سروش، انتشارات مؤسسه فرهنگی، چاپ اول

Alexander, E.R. (2001) "What Do Planners Need to Know", *Journal of Planning Education and Research*, Vol.20, No.3.

Allmendinger, P. (2001) *Planning in Postmodern Times*, London: Routledge.

Allmendinger, P. (2002) "Towards a Post-positivist Typology of Planning Theory", *Planning Theory*, Vol.1  
 Archibugi, F. (2004) "Planning Theory: Reconstruction or Requiem for Planning?" *European Planning Studies*, Vol. 12, No. 3.

Healey, P. McDougall, G. and Thomas, M. J. (1982) *Theoretical Debates in Planning: towards a Coherent Dialogue*, in Healey et al. (eds) *Planning Theory*, Oxford: Pergamon.

Hutchison, R. (2009) *Encyclopedia of Urban Studies*, Sage Publication. - Lindblom, C. (1959) *The Science of Muddling Through*, In Campbell, S and Fainstein, S (1996) (eds), *Readings in Planning Theory*, Cambridge, MA: Blackwell

McConnell, S. (1981) *Theories for Planning*, Heinemann: London. - Neuman, M. (1998) "Does Planning Need the Plan, *Journal of the American planning Association*", Vol. 64, No. 2.

Roberts, M. (1974) *An Introduction to Town Planning Techniques*, The Built Environment.

Majoor, Stan. *Disconnected Innovations : New Urbanity in Large-scale Development Projects: Zuidas Amsterdam, Orestad Copenhagen and Forum Barcelona*, PhD thesis. Supervisors: W.G.M. Salet. Faculty of Social and Behavioural Sciences, Delf: University Eburon, Faculty of Social and Behavioural Sciences, 2008.

Sandercock, L. *Towards Cosmopolis: Planning for Multicultural Cities*, New York: John Wiley, 1997.

Stiftel, B. "Planning Theory", in *The National AICP Examination Preparation Course Guidebook*, Washington DC, 2000, pp. 4- 16.

Stoker, K. & M. Stoker. “The Paradox of Public Interest: How Serving Individual Superior Interests Fulfill Public Relations’ Obligation to the Public Interest”, in Journal of Mass Media Ethics, 27(1) (2012), pp. 31-45.